

Components of an Ideal Society in Religious Texts

*Rashid Rekabian^{*1}*

Mehrdad Ellepuor²

1. Faculty member of Ayatollah Boroujerdi University

(corresponding author) Email: ra.recabian@gmail.com

2. PhD Student in International Relations

Email: mehrdadalipour1992@gmail.com

Abstract

The rise of radical right discourse is one of the major challenges facing European countries today. Increasing the number of seats in the European Parliament, extremist organizations and institutions and violent discourses particularly against Muslims, are some significant manifestations of the resurgence of this discourse in Europe, This phenomenon can create serious problems for Muslims of Europe. This article tries to investigate this opposition to the Muslims in the region by studying the rise of right-wing extremist discourse in Europe. So, the main question of this article is that: 'What are the challenges of resurrecting radical right discourse against European Muslims?' Our central hypothesis is that "resurrecting radical right discourse by articulating the nodal point of racial nationalism and signs of populism, unification in Europe, authorization and xenophobia, especially against Muslims, are consequences of a chain of equivalence that provides securitization of Islam and restriction of Muslims political and social rights in Europe."

Keywords: Radical right discourse, Racial nationalism, Populism, Muslims

*. Date of Reception: 2019/10/22 , Date of Acceptation: 2019/12/29

مؤلفه‌های جامعه آرمانی در متون دینی

رشید رکابیان^{۱*}

مهرداد علیه‌پور^۲

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، دانشکده علوم انسانی، بروجرد (نویسنده مسئول)

Email: ra.recabian@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان

Email: mehrdadalipour1992@gmail.com

چکیده

جامعه آرمانی، یا جامعه مطلوب که همیشه مورد توجه فلاسفه و ادیان الهی بوده، جامعه‌ای تحت ولایت الهی است که هدف آن رشد معنوی و مادی بشر است و بی‌بسته در حال رشد و شکوفایی است و کرامت انسان‌ها در آن رعایت می‌شود. مردم به ولایت الهی و اطاعت از دستوره‌های او تن می‌دهند و عدالت و تقوای الهی را در تمام شئون به پا می‌دارند، اما جامعه آرمانی اسلام، که معمار آن پیامبر اعظم (ص) است و دارای قانون اساسی مدون، به نام قرآن بوده است، به دلایل متعدد دچار انحراف شده باشد و آسیب‌ها و بحران‌هایی را گذارنده است. بر این اساس در طول تاریخ، اندیشمندان اسلامی ضمن بیان ویژگی‌های جامعه آرمانی اسلامی بر تشکیل چنین جامعه‌ای تأکید داشتند. آن‌ها با استناد به نظر قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) نه تنها دست یافتن به جامعه آرمانی امکان‌پذیر دانستند که هدف بعثت انبیا همین می‌دانستند. با توجه به آنچه گفته شد، پرسش اصلی پژوهش حاضر نوع ویژگی‌های جامعه آرمانی از منظر متون دینی چه ویژگی‌هایی است. فرضیه پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی که از متون اسنادی به دست می‌آید جامعه‌ای است که افراد آن در مسیر سعادت و کمال حقیقی خود گام برمی‌دارند و تلاش می‌کنند و دارای چهار نوع ارتباط است: ارتباط با خداوند، ارتباط با خود، ارتباط با طبیعت (حمادات، نباتات، حیوانات) و ارتباط با انسان‌های دیگر و این ارتباطات در چهار حوزه سیاسی (حاکمیت امام و...)، فرهنگی (آموزش، ویرورث، توحیدی، عدالت‌محوری...)، اقتصادی و اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر، صداقت، عقل‌گرایی و...) به دست می‌آید.

واژگان کلیدی: جامعه آرمانی، متون دینی، قرآن، سنت.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۸

طرح مسئله

تاریخ نشان می‌دهد انسان همواره در پی تأسیس جامعه‌ای برین بوده است؛ جامعه‌ای که در آن، همه امور مطابق میل او باشد. این کمال‌یابی همواره فکر برخی متفکران را مشغول داشته و آنان را به طراحی حکومتی آرمانی وادار کرده است. چنین جامعه‌ای را در زبان لاتین «اتوپیا»^۱ در زبان عرب «مدینه فاضله» و در فرهنگ فارسی «آرمان‌شهر» می‌نامند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۹). بر این اساس از آن هنگام که جامعه انسانی پدید آمد، آدمی همواره در جست‌وجوی شهر آرمانی بوده و گاهی آن را به صورت بهشت این جهانی تصور کرده است. زمانی نیز با چنگ زدن به اسطوره عصر زرین، دورانی را به یاد آورده که زندگانی‌اش با طبیعت گشاده‌دست درآمیخته بود و در آسایش و آزادی و فراوانی به سر می‌برده است (سگال، ۱۳۵۸، ص ۱۱۴). بنابراین آرمان‌شهری، پیشینه‌ای طولانی دارد. افلاطون آرمان‌شهر خود را با نوشتن کتاب جمهور توصیف کرد و معتقد بود نوع بشر هرگز از رنج و محنت نجات نخواهد یافت مگر زمانی که فلاسفه حقیقی، زمامدار امور سیاسی شوند (افلاطون، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲). آگوستین در کتاب شهر خدا، صلح و عدالت‌خواهی را دو ویژگی مدینه خود می‌داند و چنین مدینه‌ای را در آسمان‌ها جستجو می‌کند و شهرهای زمینی هر مقدار که به این دو آرمان نزدیک‌تر شود، شایسته احترام می‌شود. (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۷۳، ص ۳۹۹) بنابراین جامعه آرمانی، مدینه فاضله، آرمان‌شهر، شهر نیکان، لامکان، ناکجاآباد، هیچستان، زیباشهر، بی‌نام شهر و... همه تعابیر گوناگون از یک حقیقت والا و مقدس هستند که همواره اندیشمندان و فرهیختگان هر قوم و ملتی در طول حیات بشری آرزوی به حقیقت پیوستن آن را در سر پرورانده است. افرادی مانند افلاطون، ارسطو، فارابی، ابن‌مسکویه، رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، امام محمد غزالی، ابن‌باجه و ابن‌طفیل از سرآمدان طرح جامعه آرمانی بوده‌اند؛ مثلاً ارسطو در کتاب سیاست، کامپانلا^۲ در کتاب شهر خورشید، بیکن^۳ در کتاب‌های ارغنون جدید و آتلانتیس^۴ نو و فلاسفه‌ای همچون کانت، هگل^۵ و راسل^۶ با عرضه افکار خویش، همگی در پی این بهشت گمشده بوده‌اند و *توماس مور*^۷ در *یوتوپیا*^۸ جامعه آرمانی را توصیف کرده که در آنجا سیاست، قانون و همه‌چیز در کمال خوبی اجرا می‌شود (مور، ۱۳۷۳، ص ۸۵)؛ لذا هر یک به شیوه‌ای خاص، جامعه آرمانی موردنظر خود را مطرح کرده‌اند.

آسیب‌های جامعه آرمانی اسلامی پس از پیامبر اعظم(ص) با تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به دلایل

1. Utopia.
2. Tomazo Campanella.
3. Francis Bacon.
4. Atlantis.
5. Immanuel Kant.
6. Wilhelm Friedrich Hegel.
7. Bertrand Arthur William Russell.
8. Thomas More.
9. Utopia

متعددی دچار آفت انحراف می‌شد. تحریف باورهای دینی و بازگشت به ارزش‌های جاهلی، فراموشی سیره پیامبر اعظم(ص) که نشئت‌گرفته از تعالیم مقدس اسلام بود، تبدیل اشرافیت معنوی به اشرافیت مادی، ثروت‌اندوزی، گرایش به تجمل و کم‌رنگ شدن روحیه عالی اسلامی، برتری حربه ارباب و تزویر بر عامل حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی در روحیه جامعه اسلامی، بی‌عدالتی و فساد رهبران سیاسی و برخی عوامل دیگر، از جمله مسائل دردناک و آسیب‌های عمده اجتماعی جامعه آرمانی اسلامی بود که در طول تاریخ بعد از رحلت پیامبر اسلام به وجود آمد.

از هم‌گسیختگی اجتماعی و نقض گسترده هنجارهای اجتماعی، سردرگمی درباره ارزش‌ها و هنجارها به دلیل شدت انحراف؛ تغییر جهت منابع و امکانات در امور غیرمفید و نیز بی‌اعتمادی مردم، حاکمیت نظام سیاسی فاسد و بی‌عدالتی رهبران سیاسی که در تجمل، ثروت‌اندوزی، اشرافیت مادی و فساد اخلاقی، گوی سبقت از یکدیگر می‌ربودند و برای حفظ موقعیت خویش، روش‌هایی چون اعمال زور و ارباب و تزویر به کار می‌بردند. پذیرش روحیه ذلت‌پذیری و تسلیم در برابر حکومت‌گران فاسد و از همه مهم‌تر، تغییر سبک زندگی اسلامی و مانند آن، از مهم‌ترین آسیب‌های جامعه آرمانی اسلامی بود که مانع بارزی در تشکیل جامعه آرمانی اسلامی بوده است. به همین دلیل، دانشمندان و متفکران اسلامی با الهام‌پذیری از قرآن و سنت و سیره عملی اولیای دین در طراحی آرمان‌شهر موردنظر، با ذکر نمونه‌های عملی از زمامداری انبیا و ائمه دین و بهره‌گیری از استدلال‌ات و براهین عقلی، کلامی، عرفانی و ذکر سرگذشت‌ها و تمثیل‌ها، الگویی عملی از چنین مدینه فاضله‌ای ارائه کرده‌اند. رهنمودهای قرآن کریم در بیان ویژگی‌های جامعه آرمانی، اهدافی مانند عدالت، مودت و همدلی، آرامش و امنیت، احسان و نیکی به هم‌نوع و خدامحوری و... را نمایان می‌سازد (بقره: ۲۸۲؛ انعام: ۱۳۵؛ هود: ۸۵؛ حجرات: ۹؛ نور: ۵۵). بر این اساس تحقیق حاضر درصدد تحلیل ویژگی‌هایی جامعه آرمانی است که با استفاده از قرآن، گفتار و رفتار پیامبر اعظم(ص) و اهل‌بیت(علیهم‌السلام) تحلیل می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، این پژوهش به این سؤالات پاسخ می‌دهد: جامعه آرمانی چیست؟ نظریات در مورد جامعه آرمانی کدام‌اند؟ جامعه آرمانی از دیدگاه روایات دارای چه ویژگی‌هایی است؟ با توجه به سؤالات مذکور فرضیه تحقیق چنین پاسخ می‌دهد: جامعه آرمانی جامعه‌ای تحت ولایت الهی است که هدف آن رشد معنوی و مادی بشر است و پیوسته در حال رشد و شکوفایی است که کرامت انسان‌ها در آن رعایت می‌شود و مردم به ولایت الهی و اطاعت از فرمان‌های او تن می‌دهند و عدالت و تقوای الهی را در تمام شئون آن به پا می‌دارند (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۱۲). آنچه این جامعه آرمانی را از سایر جوامعی که در طول تاریخ بشر پدیدار شده‌اند، متمایز و ممتاز می‌سازد، نوع جهان‌بینی آن است که همه‌چیز را ارزشی می‌بیند. این جامعه آرمانی، جامعه‌ای است که افراد آن در مسیر سعادت و کمال حقیقی خود گام برمی‌دارند و تلاش می‌کنند و به‌عبارت‌دیگر، به هدف نهایی و موردنظر تکوین هر جامعه‌ای، نائل آمده است. هر انسانی در طی زندگی این جهانی‌اش، دارای چهار نوع ارتباط است: ارتباط با خداوند، ارتباط با خود، ارتباط با طبیعت (جمادات، نباتات، حیوانات) و ارتباط با انسان‌های دیگر.

با توجه به مطالب مذکور، جامعه آرمانی در چهار رابطه مذکور در حوزه‌های فرهنگی (فرهنگ باید مبتنی بر توحید و باور به یگانگی خداوند و ضرورت بندگی انسان در مقابل او باشد (باهنر، ۱۳۶۱، ص ۸۲))؛ اقتصادی (اقتصاد که باید مبتنی به کار و انفاق و ایثار باشد، (موسویان، ۱۳۷۶، ص ۹۲)) سیاسی (که در جامعه مطلوب حکم و حاکم به‌نوعی باید از طرف خداوند باشند (عمید زنجانی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۶))، اجتماعی (که مبتنی بر اتحاد، همبستگی، فداکاری، حکمت و... باشد). البته هر چهار حوزه دارای زیرشاخه‌هایی است.

تعریف مفاهیم و چارچوب نظری

۱. جامعه

واژه «جامعه»^۱ از ریشه لاتین «Societas» به معنای شریک و هم‌نشین گرفته شده و به مفهوم وضع و حالت اجتماعی انسان‌ها و حیواناتی است که تحت یک قاعده معین و قانون مشترک زندگی می‌کنند. کلمه جامعه یک واژه عربی و مؤنث جامع به معنی گردآورنده، فراهم‌آورنده، مجتمع، مردم یک ده، شهر یا کشور، محل تجمع و مسجد جامع به‌کار رفته است. (آراسته‌خو، ۱۳۸۱، ص ۴۵؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۶۴۸۹)

جامعه در اصطلاح، محصول گردآمدن انسان‌ها و کنش‌های متقابل میان آنان است که باهم زندگی می‌کنند و در رسیدن به هدف معینی با یکدیگر همکاری دارند. افزون این‌که معیارها و مقرراتی ساده یا پیچیده بر روابط عادی آن‌ها حاکم است و نهادها و سازمان‌هایی، تداوم و پایداری اجتماع آنان را تأمین می‌کنند. (قنادان، ۱۳۷۶، ص ۶۰)

اگرچه جامعه‌شناسی به معنای علمی آن در قرن هجدهم ظهور کرد، اما واژه جامعه دست‌کم یک قرن پیش از پیدایش تفکر متمایز جامعه‌شناختی در آثار هابز^۲ و ویکو^۳ به‌کار رفته است. فرهنگ کوچک آکسفورد انگلیسی، سال ۱۵۳۱ را سال پیدایش نخستین کاربرد این واژه به معنای «ارتباط با هم‌نوع خود» ذکر کرده است. البته ریشه جامعه‌شناسی و بحث در خصوص شیوه ایجاد و بازتولید جامعه در فلسفه کلاسیک باستان و آرای افلاطون و ارسطو، قابل‌ردیابی است (پریزی، ۱۳۷۴، چاپ اول، پیشگفتار). مفهوم «جمع» به معنای گردآوری و فراهم کردن را در آیات زیادی می‌توان دید؛ مانند «وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» (قیامت: ۹)؛ «يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ» (قیامت: ۹). این واژه در زبان عربی قدیم صرفاً کاربردی لغوی داشت و با معنای اصطلاحی و رایج آن ارتباطی ندارد. در قرآن نیز واژه جامعه و هم‌خانواده‌های آن به مفهوم رایج و اصطلاحی آن نیامده است. عالمان اجتماعی در تعاریف خود از جامعه حسب وابستگی به مکتب یا رویکرد مختلف، هریک به عناصری اشاره داشته‌اند که برخی بر عناصری مانند اهداف عام‌المنفعه تأکید کرده‌اند.

1 Society

2. Thomas Hobbes.

3. Giambattista Vico.

برخی دیگر سنت‌ها، عادات، رسوم، شیوه زندگی و فرهنگ مشترک را عناصر اساسی در تعریف جامعه برشمرده‌اند و عده‌ای نیز وحدت جزئی جسمی، روانی و اخلاقی بین موجودات هوشمند، برخورداری از حکومتی پویا، فراگیر و کارآمد یا هدف و سرزمین و فرهنگ مشترک با پیوندهای زیستی، فنی و فرهنگی را مهم دانسته‌اند (کینگ ۱۳۵۵، ص ۲۰۱). عده‌ای نیز آن را به جمع شدن ارادی افرادی برای دستیابی به امتیازات مستقیم و غیرمستقیم تعریف کرده‌اند (پیرو، ۱۳۶۶، ص ۳۸۷). بنابراین جامعه مجموعه‌ای از افراد انسانی است که با نظام‌ها و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند.

۲. جامعه آرمانی

مدینه فاضله یا جامعه آرمانی در زبان فارسی به معنای «هیچ جا» و برابر «Kallipolis» به معنای «زیباشهر» است. در ادبیات فارسی به صورت مدینه فاضله، مدینه سعیده، شهر لامکان، بی‌نام شهر و ناکجآباد آمده است. واژه‌هایی مانند خیال‌آباد، امین‌آباد، خرم‌آباد، مه‌آباد، خوش‌آباد، پدram شهر، شهریور و شهریر نیز در معنای نزدیک به آن به کار رفته‌اند و گاه واژه کام‌شهر در همین معنا به کار گرفته شده است (ر.ک: زرین کوب، ۱۳۵۴). آرمان‌شهر برای نخستین بار توسط توماس مور در سال ۱۵۱۶ میلادی در کتابی به همان عنوان به کار گرفته شد (ر.ک: مور، ۱۳۸۸، ص ۷). پیش‌تر، مفهوم‌های مشابهی از این واژه در آرای فلاسفه یونان باستان (همچون افلاطون و ارسطو) عرضه شده بود و در فلسفه اسلامی از آن به‌عنوان «مدینه فاضله» یاد شده است. اصل واژه «یوتوپیا» یونانی است و معنی آن «جایی که وجود ندارد» یا «ناکجآباد» است. اتوپیا واژه‌ای است مرکب از (او)^۱ یونانی به معنای «نقی» و کلمه (توپوس)^۲ به معنای «مکان». بنابراین، از لحاظ لغوی به معنای «لامکان» است.

آرمان‌شهر نمادی از یک واقعیت آرمانی و بدون کاستی است که متضمن سعادت و خوشبختی مردم باشد. گاه به صورت اساطیر و عصر زرین و حماسه‌های بشری جلوه‌گر شده و گاه در محک آرمان‌های نظام حاکم از افلاطون، ارسطو و فارابی گرفته تا رابرت اوئن،^۳ شارل فوریه،^۴ اتین کابه^۵ و ... همگی کوشیده‌اند به توصیف آرمان‌شهر مطلوب خود بپردازند. آیت‌الله معرفت (ره) معتقد است در این جامعه، هدف، رشد و تکامل نوع انسانی است تا افراد هرچه بهتر زندگی کنند، به نحو احسن به حقوق حقه و طبیعی خود دست یابند و از مواهب طبیعت که خداوند در اختیار بشر گذارده، به گونه شایسته و بایسته بهره‌مند گردند (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۱۲). وی با استناد به آیه ۱۳ از سوره حجرات بر این است که در چنین جامعه‌ای، انسان به دلیل انسان بودنش، مورد احترام قرار می‌گیرد و هرگز عوامل محیطی و شرایط زیستی یا گرایش‌های خاص که باعث عقیده‌ها و باورهای گوناگون می‌گردد یا نسب و حسب که سبب تبعیض از برخورداری از حقوق انسانی و مواهب طبیعی و الهی می‌شود بر او و برخورداری‌های او

1. OU.
2. TOPOS.
3. Robert Owen.
4. Charles Fourier.
5. Etienne Cabet.

تأثیری ندارد» (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۱۲). ایشان «تقوی» را به معنای تحفظ و تعهد گرفته و اعتقاد دارد هر انسانی باید این تعهد را در خود احساس کند و در مقابل بهره‌مندی از مواهب الهی و دستاوردهای دیگران، خود نیز بهره دهد. هم‌چنین ایشان با اشاره به آیه «...هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...» (هود: ۶۱) می‌گوید: «آباد ساختن زمین بدون روح همزیستی، نوع‌دوستی، ایثار و ... میسر نیست. همین است معنای خلافت در زمین و مسخر بودن کائنات برای انسان و پذیرا شدن امانت و ودیعه‌های الهی تا مشمول «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء: ۷۰) قرار گیرد». (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۱۳)

قرآن کریم با تعبیر «حیات طیبه» عامل به وجود آورنده آن را ایمان و عمل صالح می‌داند. در این صورت است که خداوند حیات حقیقی را نصیب انسان می‌کند: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً...»؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم...». (نحل: ۹۷)

آموزه‌های قرآن و عترت ناظر به رشد و تعالی بشر در همه ابعاد برای نیل به هدف آفرینش انسان است. بنابراین، هرگاه سخن از شکوفایی عقل، بسط معنویت، قسط و عدل، احسان و مانند آن می‌شود، ناظر به جامعه آرمانی است.

پیشینه تحقیق

مقاله قرآن و جامعه آرمانی، نوشته علی سروری مجد در فصلنامه سراج منیر، مهم‌ترین ویژگی‌های به‌دست‌آمده از آموزه‌های قرآن و عترت در این باره را عقل‌گرایی، برپایی عدل، حاکمیت امام، احسان، گسترش دانش و شکوفایی اقتصادی می‌داند.

در مقاله درآمدی تطبیقی بر ماهیت مدینه فاضله در آرای فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی از عارف برخوردار در فصلنامه سیاست دانشگاه تهران (۱۳۹۳) و مقاله جامعه آرمانی در نگاه فارابی و سعدی نوشته نجف جوکار، مجله علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، و مقاله جامعه آرمانی در کلام حضرت زهرا(س) نوشته زهرا ریاحی زمین در فصلنامه علوم حدیث سال سیزدهم، و

مقاله بازخوانی آرمان‌شهر از دیدگاه قرآن کریم از رؤیا آل‌عمران و همکاران در فصلنامه مطالعات قرآنی ۱۳۹۲، و مقاله مبانی مدینه فاضل «مهدوی» در اندیشه صدرالمآلهین؛ از حسین علی سعدی و محمود سعدی در فصلنامه مشرق موعود ۱۳۸۹، و کتاب جامعه آرمانی قرآن کریم از علی محمدی آشنانی نشر بوستان کتاب ۱۳۹۲، هرکدام، از زاویه‌ای به جامعه آرمانی پرداخته‌اند، درحالی‌که پژوهش حاضر هم به آیات و هم به روایات کمک جسته است.

۳. نظریات در باب جامعه آرمانی

درباره جامعه آرمانی، مراجع مختلفی سخن گفته‌اند که بدون ورود به آن مباحث، در این مجال فقط به نکته مهم و بنیادینی که وجه تمایز اصلی تفکر معادگرایانه با اندیشه دنیاگرایانه است، اشاره می‌شود. اندیشه دنیاگرا که البته ممکن است به معاد و آخرت نیز باور داشته باشد، به دنبال ساختن شهری با همه ویژگی‌های زندگی آرمانی است؛ حتی اگر آن زندگی و مکان آن زندگی آرمانی نیز در دنیای آخرت باشد و ربطی به این دنیا نداشته باشد، به دنبال این تفکر است که در رقابت با بهشت الهی، باغ شداد (ارم) بنا می‌شود؛ شاهان صفوی و قاجار باغ‌هایی را با همه نعمت‌های بهشتی و حتی به‌زعم خویش با حوریانش پدید می‌آوردند. این اندیشه چون به‌درستی بهشت را آرزوی نهایی می‌داند، وقتی می‌خواهد جامعه آرمانی خویش در این دنیا را بسازد، سعی در ساختن بهشت دارد، غافل از آن‌که بهشت متعلق به آن دنیاست و جزا و سرای مؤمنین و متقین است و نه آرمانی تحقق‌پذیر در این دنیا (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۹۳)، اما تفکر معادگرا که تمایز بین دنیا و آخرت را به خوبی می‌شناسد، با وجود این‌که بهشت را مکان آرمانی انسان می‌داند اما بر این باور است که این دنیا جای بنا کردن بهشت نیست و اصولاً این دنیا نمی‌تواند بهشت باشد. بنابراین، جامعه آرمانی، تحقق‌پذیری در این دنیا را تعریف و تبیین می‌کند که ضمن تأمین زندگی عالی دنیوی خویش، زمینه وصول و ورود به آن مکان آرمانی (بهشت) را فراهم می‌کند. در واقع، جامعه آرمانی این دنیایی نه معادل و تمثیل بهشت الهی که زمینه‌ساز ورود به آن است. صاحبان آرای مربوط به جامعه آرمانی یا نظریه‌های در دسترس درباره آرمان جوامع را در هفت گروه زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۱. اولین گروه شامل بسیاری از فلاسفه و حکماست که آرا و نظریاتشان معمولاً به نظام اداری و حکومتی و اندیشه و فرهنگ اهل شهر می‌پردازند. این گروه عموماً اصول حاکم بر شهر آرمانی یا آرمان‌شهر خویش را مطرح می‌کنند و البته فقدان برخی ویژگی‌ها مثل ستم و زشتی را نیز ضروری می‌دانند. حکما و فلاسفه (از قبیل افلاطون، فارابی، توماس مور و سنت آگوستین) اصلی‌ترین گروهی هستند که در این باب سخن گفته‌اند (افلاطون، ۱۳۵۳؛ فارابی، ۱۳۷۹؛ فارابی، ۱۳۷۶؛ مور، ۱۳۷۳). هم‌چنین می‌توان به متفکرانی چون ابن‌خلدون (۱۳۵۹) اشاره کرد که انواع شهرها و جوامع را مورد بررسی قرار می‌دهد یا می‌توان به کسانی چون سه‌وردی و نظامی اشاره کرد که به ویژگی‌های مکانی آرمانی برای زندگی انسان اشاره دارند.

۲. ادیان نیز درباره جامعه‌ای صالح و آرمانی خویش مطالبی را بیان نمود و وعده آن را از سوی رهبران معنوی و روحانی خود مطرح کرده‌اند که در واقع به این وسیله جامعه آرمانی خویش معرفی می‌کنند، بدون این‌که از قید آرمانی استفاده کنند. جامعه بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) در میان مسلمانان و جامعه آخرالزمانی پس از بازگشت عیسی (ع) در میان مسیحیان از آن جمله است.

۳. مکاتب انسان‌ساخته اعم از دینی و غیردینی و ضد دینی نیز غالباً در جهت وصول و متجلی ساختن محیط و شهری ایدئال و آرمانی برای پیروان و باورمندان آرای خویش اهتمام نموده و برای ظهور آن شهر، مردمان را به یاری

می‌طلبند و یا به آن‌ها وعده وصول آن را از طریق شیوه خاص زندگی می‌دهند. گاهی نیز اصولاً ظهور جامعه یا شهر آرمانی خویش را جبر تاریخ دانسته‌اند که آموزه‌های مارکس و سایر پیشگامان و نظریه‌پردازان سوسیالیسم و کمونیسم از آن جمله‌اند.

۴. گروهی دیگر هستند که شرایط خاص زندگی اخروی (معمولاً بهشت) را به‌عنوان آرمان‌شهر مطرح می‌کنند و بر این باورند که مردمان در این دنیا یا باید و یا عموماً به دنبال ساختن آن آرمان‌شهر باشند. این گروه، خود به زیرمجموعه‌هایی تقسیم می‌شوند:

الف. گروه اول که اصولاً به معاد (مانند باورها و اعتقادات مسلمانان) باور ندارند، اما به معتقدان به معاد توصیه می‌کنند که دنبال ایجاد بهشت آرمانی در این دنیا باشند و هم‌چنین آثار مؤمنان را با این رویکرد ارزیابی می‌کنند. (ویلبر، ۱۳۸۴؛ وست، ۱۳۳۶)

ب. گروه دوم که معاد را باور دارند، اما درعین حال، تحت تأثیر گروه اول و یا متأثر از پیروان سایر مکاتب، بهشت را آرمان‌شهری می‌دانند که در این دنیا نیز می‌تواند محقق شود و یا دست‌کم باید به دنبال ایجاد آن بود. (منتظرالقائم، ۱۳۸۸؛ دیبا و انصاری، ۱۳۷۶؛ انصاری و حقیقت‌بین، ۱۳۸۸)

۵. گروهی که بهشت اخروی را مکان و جایگاه آرمانی انسان و نه به معنای آرمان‌شهر قابل تحقق در این دنیا که به‌عنوان آرمان حیات بشری می‌شناسند و همه هم‌متشان اهتمام برای صلاحیت یافتن برای ورود به بهشت می‌باشد که حلقه اول پیروان ادیان الهی و عالمان برجسته و مؤمنان در این گروه قرار می‌گیرند.

۶. دسته‌ای دیگر که در توضیح آرمان‌شهر موردنظر خویش به موضوعات کالبدی و نقشه شهر و فعالیت‌های جاری در آن نیز پرداخته‌اند و اغلب در قرون اخیر و پس از ظهور مشکلات شهرهای دوران صنعت آرای خود را مطرح کرده‌اند. این گروه گاهی ایدئال‌گرا و زمانی خیال‌گرا نامیده می‌شوند که در مراجع مرتبط با تاریخ شهرسازی دوران اخیر معرفی شده، و آرایش‌شان شرح شده است. (شوای، ۱۳۷۵)

۷. گروه بعدی، اغلب بدون اشاره به جامعه آرمانی به ویژگی‌هایی برای انسان، رفتارهای انسان، ساخته‌های انسان، ارتباطات انسان با جامعه و با طبیعت و با ساخته‌هایش به مدیریت جامعه و شیوه زیست انسان اشاره می‌کنند که تجمیع و رعایت آن‌ها می‌تواند حاصل را به‌صورت شهری آرمانی محقق سازد. به‌این‌ترتیب شهرهای آرمانی یا به عبارت بهتر، محیط زندگی آرمانی انسان را به سه صورت تحقق‌پذیر در عالمی دیگر، تحقق‌پذیر در این دنیا و آرمانی عالی (که باید به سمت آن حرکت کرد) می‌توان مطرح کرد.

طبیعی است که امکان تحقق جامعه‌های آرمانی گروه اول در این دنیا وجود ندارد و حتی توصیه نمی‌شود. امکان تحقق گروه دوم از شهرهای آرمانی در این دنیا نیز بسته به آرمان‌گرایی مبانی آن‌ها، به‌ندرت وجود دارد. گروه سوم، آرمانی متعالی هستند که ضمن آرمانی بودن، بی‌زمان و بی‌مکان بوده و برای آن‌ها به‌تناسب شرایط زمان و مکان و

شرایط دوران و امکانات در دسترس جلوه‌های متنوعی متصور است. قرآن با قاطعیت تمام، آینده مثبت را برای جامعه آرمانی ترسیم می‌کند و پیروزی نهایی ایمان اسلامی، (توبه: ۳۳؛ صف: ۹)؛ غلبه قطعی صالحان، (انبیاء: ۱۰۵)؛ کوتاه شدن دست ستمگران و جباران برای همیشه، (قصص: ۵ و ۶) و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشر را (اعراف: ۱۲۸) نوید داده است.

۴. جامعه آرمانی در آیات و روایات

مدینه فاضله، نعمتی است که قرآن مجید به آن نوید داده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵) «خداوند به کسانی از شما (مسلمانان) که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است بی‌گمان آن‌ها را روی زمین جانشین (خود) کند و حکومت بخشد همان‌گونه که کسانی را که پیش از آن‌ها بودند (مانند مؤمنان قوم نوح و قوم هود و صالح و قوم یونس) جانشین ساخت و حتماً آن دینی را که برای آن‌ها پسندیده است (دین اسلام) برای آن‌ها مستقر و استوار سازد و بی‌تردید حال آن‌ها را پس از بیم و ترس به امن و ایمنی تبدیل نماید، طوری که تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند و هر که پس از این (نعمت بزرگ) کفران ورزد، چنین کسانی به حقیقت نافرمان‌اند.» در دلالت این آیه می‌توان گفت این آیه شامل تمام امت اسلامی است که بعضی از مفسرین گفته‌اند این آیه به دلیل بیانیه بودن «من» در کلمه «منکم» بر عموم مسلمین دلالت می‌کند، علامه طباطبایی آن را بعضی گرفته است و وعده خلافت در زمین را مختص مؤمنین، آن‌هم کسانی که عمل صالح انجام می‌دهند می‌داند؛ چیزی که آیه بر آن دلالت می‌کند همان وعده تحقق مدینه فاضله است که با هر تفسیری از آیه ممکن است. در روایات نیز برای ایجاد مدینه فاضله مطالبی فراوان رسیده است. ابن‌ابی‌الحدید می‌گوید: امامیه معتقدند احادیث آخرالزمان درباره وعده ظهور امام غایبی است که در پایان دنیا مالک همه زمین می‌شود، ولی یاران معتزلی ما می‌گویند که وعده به ظهور امام غایبی است که در آخرالزمان همه زمین را تصرف می‌کند و بر همه کشورها پیروز می‌شود. (ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۹، ص ۲۹)

۵. ارکان جامعه آرمانی

مدینه فاضله دارای ارکانی است که اشاره به آن ضروری است. مدینه فاضله از سه رکن قانون، حاکم مردم تشکیل شده است که درباره آن به اختصار اشاره می‌شود:

۵-۱. قانون

در لغت عرب به معنای معیار و مقیاس شی و هرچیزی آمده و به عبارتی دیگر، القانون، مقیاس کل شیء

طریقه. (حسینی زبیدی واسطی، ۱۴۱۴، ج ۳۶، ص ۲۴)

در اصطلاح به معنای عام آن یعنی مجموعه قواعد الزام‌آوری که بر رفتار و ارتباط آن‌ها در جامعه حاکم است و به معنای خاص آن نیز یعنی قاعده‌ای معین یا مجموعه‌ای معین از قواعد که قوه مقننه برای تنظیم امر معینی وضع می‌کند (الصدده، ص ۱۲). در فقه نیز به چیزی قانون گفته می‌شود که کلی باشد، از طریق وحی رسیده باشد و جنبه دوام داشته باشد. بنابراین در اسلام قانون عبارت است از آن قسمت از آیات قرآن و احادیث درست که متضمن اوامر یا نواهی و به‌طور کلی، متضمن مقررات الزامی باشند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۳، ص ۱۷-۱۹)

قانونگذاری بنابر آموزه‌های اسلامی

اولاً قانونگذاری از آن خداوند است. ثانیاً این حق طبق مفاد بعضی آیات نه تنها از آن خداست که از دیگران حق قانونگذاری نیز سلب شده است. ثالثاً پیروی از قانون اسلام، پیروی از وحی است که بر این اساس، قانون در اسلام (جامعه آرمانی دارای ویژگی‌هایی است که عبارت‌اند از:

۱. از دلایلی که می‌توان بر محق بودن قانونگذاری خداوند برشمرد، ثبات نسبی در قوانین اوست. سید قطب می‌گوید: «مادامی که قانون از زمین سرچشمه گیرد، همیشه در معرض تحولات و تبدیل است و در حال دگرگونی دائم در دست طبقات غالب و علیه طبقه مغلوب ملت خواهد بود. (سید قطب، ۱۳۷۳، ص ۲۱۴)

۲. جامعیت قانون الهی نکته‌ای دیگر است که آن را نسبت به قوانین دیگر ممتاز می‌کند. چنان که خداوند می‌فرماید: روزی که از هر امتی گواهی از خودشان بر آنان برانگیزیم و تو را بر اینان شاهد گیریم و بر تو نازل کردیم کتاب را که روشنگر همه چیز است و هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمین است. (نحل: ۸۹) علامه در این باره می‌فرماید: «قرآن برای هدایت عموم است و مراد از تبیان کل شیء هم آن چیزی است که برگشت به هدایت باشد از قبیل معارف حقیقی مربوط به مبدا، معاد و اخلاق و شرایع الهی». (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۴۶۸)

۳. آسان بودن قانون الهی دلیلی دیگر بر اولویت آن نسبت به قوانین بشری است.

۴. برابری در مقابل قانون، یکی از ویژگی‌های قانون الهی است که حتی در مورد پیامبر اعظم (ص) هم موضوع یکسان صورت می‌گیرد. در این باره، رسول اعظم (ص) می‌فرماید: «لا فضل لعربی علی عجمی و لا عجمی علی عربی و لا اسود علی ابیض، الا بالتقوی، کلکم من آدم و آدم من تراب» (ابن شعبه الحارثی، ۱۳۸۰، ص ۳۴). امام خمینی (ره) درباره قانون فرموده: «آن روز که در غرب هیچ خبری نبود و ساکنانش در توحش بسر می‌بردند و آمریکا سرزمین سرخ پوستان نیمه وحشی بود، در مملکت پهناور ایران و رم مردم محکوم استبداد و اشرافیت و تبعیض و تسلط قدرتمندان بودند و اثری از حکومت مردم و قانون در آن‌ها نبود، خدای تبارک و تعالی به وسیله رسول اعظم (ص) قوانین فرستاد که انسان از عظمت آن‌ها به شگفت می‌آید. برای همه

امور قانون و آداب آورده است... هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن مقرر نداشته و حکمی درباره آن نداده باشد. (امام خمینی، بی تا، ص ۵)

۵-۲. حاکم

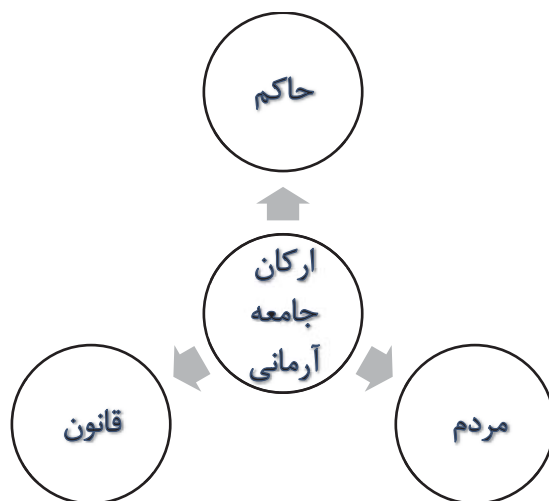
در لغت به اجرا کننده حکم بین مردم گفته می‌شود. حاکم کسی است که در میان مردم حکم می‌کند و فرمان می‌دهد. (راغب أصفهانی، ج ۱، ص ۱۲۷) درباره ضرورت حاکم نیز روایاتی رسیده است که بر اهمیت موضوع می‌افزاید: **الدین والسلطان توامان، لا بد کل واحد منهما من صاحبه، والدین اس والسلطان حارس و مالا اس له الهدم و ما لا حارس له ضایع** (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۳۵۴). و خداوند مکرر بر این موضوع تأکید دارد؛ «و برای هر امتی پیامبری است و چون پیامبرشان مبعوث شود و ابلاغ رسالت کند، در قیامت بر اساس گواهی او درباره آن‌ها به عدالت، داوری می‌شود و به کسی ستم نخواهد شد» (یونس: ۴۷) و می‌فرماید «ما در بین هر امتی پیامبری برانگیختیم که به مردم بگوید خدا را بپرستید و از شیطان و وسوسه‌های آن برحذر باشید. در بین مردم کسانی هدایت الهی یافتند و کسانی سزاوار وانهاده شدن در گمراهی بودند، پس در زمین بگردید [و تاریخ را مطالعه کنید] تا دریابید عاقبت تکذیب‌کنندگان حق چگونه بوده است». (نحل: ۳۶) و می‌فرماید: «ای پیامبر (ص) ما تو را بر اساس مصلحت الهی در مقام بشارت دهنده و هشدار دهنده به سوی قومت ارسال فرمودیم، در گذشته نیز هیچ امتی نبوده که برای هدایت آن‌ها پیامبری ارسال نشده باشد» (فاطر: ۲۴)؛ لذا در قرآن بارها به حکومت نهایی صالحان تصریح شده است، از جمله سه مرتبه فرمود: «لِيُظْهِرَ عَلَى الدِّينِ كَلِمَهُ» یعنی اسلام بر همه ادیان پیروز خواهد شد. در جای دیگری فرمود: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ یعنی بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد و در جای دیگری از قرآن کریم می‌خوانیم: «الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه: ۱۳۲) یا می‌فرماید: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص: ۸۳) مراد از جانشینی مؤمنین در آیه یا جانشینی از خداست و یا جانشینی از اقوام فاسد هالک شده است؛ حال چه مردم این را بپذیرند یا نه کما اینکه تعداد زیادی از این رهبران به وسیله اهالی مداین مورد تعرض قرار گرفته و حتی کشته شوند. بنابراین جوامعی که صاحب رئیسی برگزیده بوده، ولی حامی قوانین الهی نباشند را از دایره جامعه آرمانی خارج کرده و آن را عامل نابودی می‌داند. از شرایطی که برای حاکم در نظر گرفته شده می‌توان به اسلام، عدالت، اعلییت، مدیریت، معصومیت و مرد بودن اشاره کرد که هر یک در جای خود قابل بحث و بررسی است.

۵-۳. مردم

ارزش و اعتباری که اسلام در مدینه فاضله خود برای مردم آن قائل است، بسیار در خور توجه است. در مدینه فاضله اسلام، مردم آزاد و عبد خالق هستی بخش بوده و مالک چیزهایی هستند که از طریق قانون به دست آورده‌اند. مردم حق مشورت دارند و دنبال کسب فضائل و سعادت اخروی هستند، با کمال الفت و محبت زندگی می‌کنند و

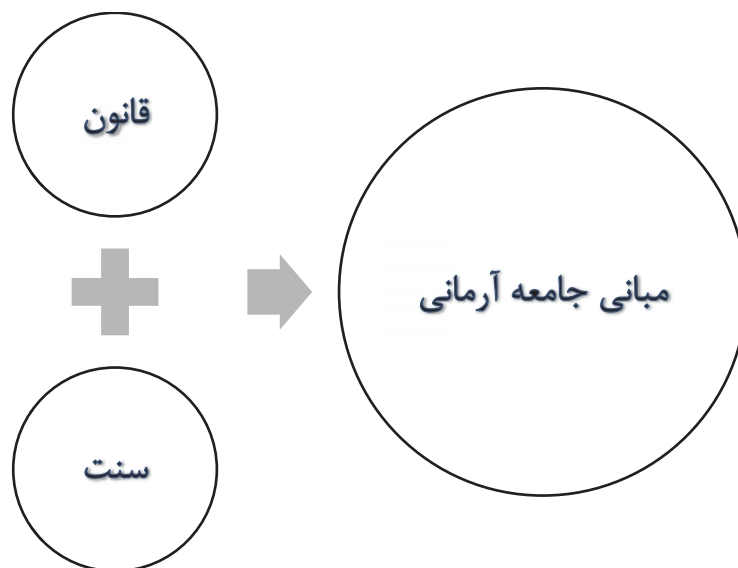
هم‌چنین با توجه به دستور حضرت حق، پیوسته در برابر توطئه دشمنان آماده‌اند؛ لذا از نظر قرآن، انسان همه کمالات را بالقوه دارد و باید آن‌ها را به فعلیت برساند و این خود اوست که باید معمار و سازنده خویشتن باشد و شرط اصلی در این باب، ایمان است. با ایمان، تقوا، عمل صالح و کوشش در راه خدا، انسان بالقوه، به انسان بالفعل تبدیل می‌شود. پس انسان حقیقی که خلیفه‌الله، مسجود ملائکه و همه چیز برای او خلق شده، انسان با ایمان است، نه انسان منهای ایمان. انسان منهای ایمان، ناقص است. چنین انسانی حریص، بخیل، کافر، از حیوان پست‌تر و خونریز است» (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۶۷). خداوند به لحاظ ساختاری انسان را به‌گونه‌ای آفریده که در بسیاری از زمینه‌ها نسبت به سایر موجودات، مزایا و امکانات بیشتری دارد؛ اگرچه در بعضی از زمینه‌ها نیز در او، ضعف‌های وجودی است. از جمله این مزایا آن است که ذات انسان، ترکیبی از تمایلات مثبت و منفی است و انسان بر حسب ذات خود، تمایلات مثبت و منفی را خواستار است، هرچند اصالت با جنبه‌های متعالی وجود اوست. با توجه به دو جنبه بودن ذات انسان، گاهی با حُسن اختیار خود به امور اخلاقی و ارزشی می‌گراید و گاهی با سوء اختیار خود در ساحت نفس اماره باقی می‌ماند و برده آن می‌شود و به امور ضد ارزشی گرایش پیدا می‌کند.

با توجه به این مقدمات، آیات قرآن به ستایش انسان می‌پردازد و این ستایش‌ها ناظر به جنبه تکوینی وجود اوست؛ مانند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم.» (اسراء: ۷۵)؛ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم» (تین: ۴) و «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ... ما راه را به او نشان دادیم.» (دهر: ۳) سه رکنی که به آن اشاره شد، اساس جامعه آرمانی روایی را تشکیل می‌دهند. اسلام با ارائه قانونی درست و حاکمی صالح و مردمی عاقل شرایطی خاص به وجود می‌آورد که باعث فراگیر شدن و جهانی شدن خود و تبدیل شدن به دینی واحد در عرصه جهانی، تحقق حاکمیت عدالت، گسترش رفاه، ایجاد صلح و امنیت جهانی، رشد علمی و عقلی بشر، ارتباطات گسترده و سریع و خرسندی رضایت مردم خواهد شد.



۶-۲. مبانی جامعه آرمانی

«مبانی» به آن دسته موضوعات یا اصول بنیادینی اطلاق می‌شود که در همه موضوعات مربوط به یک جهان‌بینی صادق و جاری و ساری و مشهود باشند. برای هر اثر انسان‌ساختی می‌توان مبانی قایل شد که این مبانی، همان مبانی جهان‌بینی او هستند. به این ترتیب، برای شهر منتسب به اسلام، مجموعه‌ای از مبانی قابل طرح هستند که این مبانی همان مبانی اسلام (یا به عبارت دیگر مبانی جهان‌بینی توحیدی) هستند. این موضوع اصلی، اساسی است که مبانی هر تفکر و جهان‌بینی، اصولی هستند که نه تنها در حوزه اندیشه که در همه امور مربوط به آن‌ها حضور دارند و راهنما، آرمان و هدف هستند. این اصول، نه تنها راهنمای اندیشه و عمل هستند که فراتر از آن، و نهایتاً نیز باید، در همه آثاری که از آن‌ها سرچشمه گرفته و سیراب شده‌اند، جلوه داشته باشند و انسان را به همان اصول برسانند. با عنایت به این که جهان‌بینی توحیدی (دین اسلام) فضای مطالعه حاضر است، مبانی مورد نظر، اصولی هستند که هر موضوعی در اسلام باید از آن‌ها متأثر بوده و در نهایت با بهره‌گیری از آن‌ها پیروان اسلام را به همان اصول برسانند. به این ترتیب با توجه به مباحث مطرح در تعالیم اسلامی، اصلی‌ترین بنیاد یا مبانی اسلام «قرآن و سنت» است که این دو راه و روش جهان زیست واقعی را به بشر نشان دادند. آیات سوره بقره، آل عمران، اعراف، نساء... و روایاتی که اصول اخلاقی، معاشرتی و... را در اصول کافی، من لایحضر الفقیه و... آورده شده‌اند.



ویژگی‌های جامعه آرمانی در متون دینی

واکاوی شاخصه‌ها و بررسی ویژگی‌های جامعه آرمانی از منظر قرآن و روایات ضمن بسترسازی برای ایجاد یک جامعه و آرمان‌شهر خداپسندانه، زمینه اعتلای تمدن اسلامی و سعادت‌مندی و عزتمندی آن را فراهم می‌نماید. با

اطمینان می‌توان گفت هرکسی نمی‌تواند خود را اهل آرمان‌شهری بداند که موردنظر و تائید قرآن است. این ویژگی‌ها خصوصیتی است که هم حاکم و هم توده مردم باید به آن مزین باشند و ساکن، بودن شرط پذیرش در مدینه فاضله نیست و حتی مدینه فاضله‌ای که خداوند معمار آن است، دارای مرز و موقعیت جغرافیایی خاصی نیست و همه گستره زمین را در بر می‌گیرد و هر فردی که خود خواسته باشد در هر جایی که باشد، می‌تواند خود را اهل مدینه فاضله قلمداد کند و عضویت در این گستره اخلاقی، مستلزم کسب ویژگی‌هایی اکتسابی است و هرگونه نسب و نسبی را بدون در نظر گرفتن دانش و بینش فرد، مردود می‌شمارد که بر این اساس ویژگی‌ها را می‌توان بر اساس این آیه در حوزه‌های مختلف بررسی کرد، «الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» همان کسانی که چون در زمین به آنان قدرت دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده امر می‌کنند و از کارهای ناپسند نهی می‌کنند، و فرجام همه کارها از آن خدا است». با توجه به مطلب فوق، جامعه آرمانی را در چهار حوزه موردبررسی قرار می‌دهیم. (حج: ۴۱)

۱. ویژگی‌های سیاسی جامعه آرمانی

در جامعه آرمانی موردنظر روایی - قرآنی، حرکت کمال‌جویانه انسان به خدا منتهی می‌شود که کمال مطلق است و از آنجاکه کمال پروردگار را نهایت نیست، انسان می‌تواند تا بی‌نهایت به سوی کمال سیر کند و نقطه توقف و پایانی برای او متصور نیست. بنابراین در چنین جامعه‌ای همه امور هدفمند خواهد بود و هیچ چیز عبث و بیهوده خلق نشده است: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون: ۱۱۵) و هیچ حرکتی، نادیده گرفته نمی‌شود: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ». (زلزال: ۵-۶)

درحوزه سیاسی نیز، جامعه آرمانی در دو اصل اسلامی و جهانی جای بحث دارد که هرکدام از این دو صفاتی دارند. مراد از اصول اسلامی اصولی است که بر اخلاق، رفتار، گفتار و... جامعه تأثیر بگذارد. این اصول متعددند، اما در این تحقیق تلاش می‌شود به اهم آن‌ها اشاره شود.

در مورد سیاست، به نظر می‌رسد خداوند بهتر آن دیده است که احکام تأسیس یک نهاد سیاسی واحد را که طی قرن‌ها بدون تغییر باقی بماند، به نحو صریح و مشخص عرضه نکند، اما به هر حال، اولاً دسته‌ای از اصول سیاسی بسیار مهم در قرآن آمده است؛ از جمله این اصل که حاکم واقعی جهان خداوند است و همه قدرت‌ها متعلق به اوست. ثانیاً پیامبر اعظم (ص) به عنوان نخستین بنیان‌گذار جامعه اسلامی و نخستین حاکم، سرمشق و الگویی برای نسل‌های بعدی در مسائل و موضوعات سیاسی بوده است؛ لذا جامعه آرمانی منحصرأ با حضور و حاکمیت او و تبعیت محض مردم از او محقق می‌گردد. مهم‌ترین امتیازات و ویژگی‌های امام در ارتباط با جامعه آرمانی عبارت‌اند از: نصب الهی؛ عصمت؛ وابستگی به علم الهی؛ ولایت؛ هدایت علمی؛ هدایت به امر؛ سیاست و حکومت؛ هدایت دینی و دفاع از دین‌باوران؛ پدری دلسوز و مهربان و اصلاح جهانی.

چون هدف از نزول قرآن و امامت ائمه (علیهم السلام) هدایت بشر و ساختن دنیا و آخرت آباد برای مردمان است، فعل و قول و تقریر امامان، معصومانه و وابسته به علم الهی است. بنابراین، سنت و سیرت آن امام معصوم (ع) نیز تحقیق‌بخش جامعه آرمانی است. آموزه‌های قرآن و عترت، ناظر به رشد و تعالی معنوی و مادی انسان‌هاست. مردم در جامعه قرآنی نسبت به یکدیگر وظایفی دارند، آن‌ها انسان‌های متعدد، مسئول و دلسوز و مهربانی هستند که دل‌هایشان برای اجرای دستورات الهی و حاکم ساختن آن در جامعه می‌تپد و بی‌تفاوتی را امری زشت و ناشایست می‌شمارند و با امر به معروف و نهی از منکر مشارکت و نظارت همگانی خود را نشان می‌دهند. خداوند در این باره می‌فرماید: «باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن‌ها رستگاران‌اند». (آل عمران: ۱۰۴)

اصول بسیار مهم دیگری در قرآن و حدیث در باب حکومت و سیاست وجود دارد، مثل اصل «شورا» که اهمیت مشورت با رهبران و مشایخ و علمای جامعه اسلامی را نشان می‌دهد، مانند اصل «نقی استبداد» و «فراموش نکردن تعالیم خداوند در باب عدل و رحمت». نمونه‌های اعمال این اصول در اسلام وجود دارد که عالی‌ترین آن‌ها نامه مشهور حضرت علی (ع) به مالک اشتر است (نهج البلاغه، نامه ۵۳). ساکنان جامعه آرمانی از صفاتی مانند داشتن حاکمی صالح (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۸)، تبری از دشمنان خدا (ممتحنه: ۱)، تولا (مجلسی، ج ۲۷، ص ۵۸) رعایت قانون الهی (حرانی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۴) و... برخوردارند.

در چنین جامعه هدفمندی با چنین غرض والایی، تاریکی‌ها به روشنی و نور تبدیل شده، مشکلات برطرف گردیده، موانع رؤیت از مقابل چشم‌ها کنار رفته و بینایی حاصل شده است، مردم از گمراهی رسته‌اند و به دین استوار و محکم و به راه راست فراخوانده شده‌اند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۴). گره‌های کفر و تفرقه از هم گشوده، آتش شرک خاموش شده و خار نفاق از سر راه برداشته شده است (صحیفه الزهراء، نیایش ۵۸، ص ۲۰۲). ندای هرج و مرج و فتنه و آشوب و طمع و تهمت آرام گرفته و به جای آن دهان مردم به کلمه «اخلاص» باز شده و نظام دین آراسته است (خطبه فدک، ص ۲۲۰). مردم در این جامعه در کمال آسایش زندگی می‌کنند (خطبه فدک، ص ۲۲۰) و از سفره آسمانی و نعمت‌های فراوان و بی‌شمار و عطایای الهی متنعم می‌شوند.

۲. ویژگی‌های اقتصادی جامعه آرمانی

دنیا از جهتی مقدمه آخرت است. خداوند از انسان خواسته است برای آبادی دنیا تلاش کند و تبلی را کنار بگذارد «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹). اسلام «دنیا و آخرت» را در مقابل هم قرار نمی‌دهد. دنیا و آخرت نه تنها متناقض نیستند که مکمل یکدیگرند. قرآن به پیروان خود اجازه نمی‌دهد بهره خود را از دنیا فراموش کنند: «وَلَا تَسْ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا». امام صادق (ع) نیز فرموده: «آن‌که دنیايش را برای آخرت رها کند و نیز آن‌که آخرتش را به دنیا می‌فروشد، از ما نیست.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۷۸)؛ لذا آموزه‌های قرآن و عترت (علیهم السلام) آبادانی دنیا را مقدمه آبادانی آخرت می‌داند. نقش ائمه (علیهم السلام) در طول دوران با برکتشان همواره بر رشد و تعالی اقتصادی بوده است. آنان حتی کار و تلاش اقتصادی را سبب افزایش عقل نیز دانسته‌اند

(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۴۸)، اما تلاش اقتصادی که در جهت بندگی خدای رحمان باشد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۱)

کار و تلاش و اعتلای اقتصادی موجب بی‌نیازی و عزت جامعه می‌شود و این عزت‌مداری، موجب سربلندی و اقتدار سیاسی نیز می‌گردد. امام رضا(ع) می‌فرماید: «... لَيْسَ لِلنَّاسِ بُدٌّ مِنْ طَلَبِ مَعَاشِهِمْ، فَلَا تَدَعِ الطَّلَبَ...؛ مردمان ناگزیر باید برای طلب معاش خود بکوشند، پس طلب معاش را ترک مکن». (حُر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۱۸)

تعالیم اقتصادی اسلام همواره با اخلاق پیوند داشته و بیش از هر چیز بر عدالت - اعم از عدالت در ممانعت از انباشت بیش‌ازحد ثروت به زیان طبقه یا گروهی خاص، عدالت در ایجاد رابطه میان ثروت و کار و عدالت در استفاده از سرمایه و درآمد و سوءاستفاده نکردن از آن - مبتنی بوده است.

تعالیم اقتصادی اسلام بر چندین اصل استوار است:

۱. اولین و مهم‌ترین اصل «اصل مالکیت» است. اسلام می‌گوید: انسان به دلیل اینکه خلیفه خداوند بر روی زمین است، می‌تواند از حق مالکیت خصوصی برخوردار باشد و هیچ حکومت یا گروه اجتماعی جز در موارد خاص و آن‌هم بر اساس تعالیم شریعت، نمی‌تواند آن را از افراد بگیرد.

۲. اصل اساسی دوم، اصل «رابطه میان کوشش‌های فرد و ثروت انباشته» اوست. در اینجا بر مشارکت سود و زیان در معاملات اقتصادی تأکید شده است (احسانی، ۱۴۰۵، ص ۲۲). شاید دلیل حرمت ربا هم این باشد که اولاً فرد بدون کوشش، صاحب سود می‌شود و ثانیاً او در سود و زیان مشارکت ندارد، ولی اگر کسی سرمایه‌اش را در راه خرید و فروش به کار بگیرد، هرچند سود زیادی هم به دست بیاورد، پذیرفته و حلال است.

فلسفه اقتصادی اسلام همواره بر اهمیت و تکلیف دانستن تلاش در راه تأمین معاش خود و خانواده و نفی تن‌آسایی تأکید کرده است. از منابع حدیث و تفاسیر قرآن چنین برمی‌آید تکلیف به تلاش در راه تأمین معاش، مانند تکلیف به ادای نمازهای یومیه است (نصر، ۱۳۷۳، ص ۱۵). در چنین جامعه‌ای، خمس (زکات، صدقه) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۸)، انفاق و... پرداخت می‌شود. اقتصاد و میانه‌روی در غنا و فقر (دعایم الاسلام، ج ۲، ص ۱۸۵) و دگردوستی است.

۳. ویژگی‌های فرهنگی جامعه آرمانی

ویژگی‌های فرهنگی چنین جامعه‌ای را می‌توان در سه دسته حقوقی، بایدها و نبایدها و عناصر شهر و معماری تقسیم کرد که هرکدام دارای انشعاباتی است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: رعایت حقوق همسایه (نساء: ۳۶)؛ حقوق همه انسان‌ها (شوری: ۴۲)؛ کرامت انسان، (اسراء: ۷۰)؛ مسجد (کراچکی، ۱۳۹۴، ص ۵۹) و مانند آن

اشاره کرد. در چنین جامعه هدفمندی با چنین غرض والایی، تاریکی‌ها به‌روشنی و نور تبدیل شده، مشکلات برطرف گردیده، موانع رؤیت از مقابل چشم‌ها کنار رفته و بینایی حاصل شده است، مردم از گمراهی رسته‌اند و به دین استوار و محکم و به راه راست فراخوانده شده‌اند. گره‌های کفر و تفرقه از هم گشوده، آتش شرک خاموش شده و خار نفاق از سر راه برداشته شده است. ندای هرج و مرج و فتنه و آشوب و طمع و تهمت آرام (کراچکی، ۱۳۹۴، ص ۵۹) گرفته و به جای آن دهان مردم به کلمه «اخلاص» باز شده و نظام دین آراسته است و مردم در این جامعه در کمال آسایش زندگی می‌کنند. (ر.ک: صحیفه الزهرا(س)، جوادی آملی، ۱۳۹۳)

۴. ویژگی‌های اجتماعی جامعه آرمانی

ویژگی‌های اجتماعی جامعه آرمانی را در حوزه‌های فردی و جمعی مورد بررسی قرار می‌دهند. ساکنان جامعه آرمانی، مردمانی بسیار فهیم و صاحب معرفت‌اند. آنان به دنبال دست یافتن به یقین، هدایت، نور، علم و فهم در درک احکام الهی و طالب بینش در آیات کتاب او و قوانین آرمان‌شهر خودند. دنیا مهم‌ترین مقصود و نهایت شناخت آن‌ها نیست، بلکه نهایت آرزوی آنان خداست. از خدا می‌خواهند که آنان را بر عبادت و بندگی و آنچه موجب رضایت خداوند است، توانا سازد و آنان را هدایت و تقوا عطا نماید.

اهل آرمان‌شهر سلامتی و عافیت در بدن و دین را از خدا می‌طلبند (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۳)؛ زیرا آنان برای انجام وظایفشان به این سلامتی نیازمندند. اموری چون برپاداشتن کتاب الهی و سنت پیامبر، تبلیغ دین خدا، پرچمداری امر و نهی الهی، حمل دین و وحی الهی، امانت‌داری خدایی، انجام واجبات و رعایت حلال و حرام الهی. (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴، مجلدات)

خداوند شنوا و مستجاب‌گر خواسته‌های مردم آرمان‌شهر است. خواسته‌های آنان نیز نه تنها بعدی نیست که هم خواسته‌های معنوی و هم خواسته‌های مادی دارند. برخی نیازهایشان چنین است: زینت ایمان، هدایت، خشنودی خدا، اخلاص و خداترسی، نیکویی در حیات و ممات، زنده شدن قلب و گشاده شدن سینه، عفاف و پاک‌دامنی (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳)؛ ستر عیوب و آمرزش و رحمت الهی (ر.ک: صحیفه الزهراء)؛ بی‌نیازی، وقناعت و خشنودی بی‌پایان (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۸۵)؛ نعمت فراوان و بی‌نیاهت، ادای قرض، آسانی، اصلاح امور (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۸) و سرکوبی قاصدان.

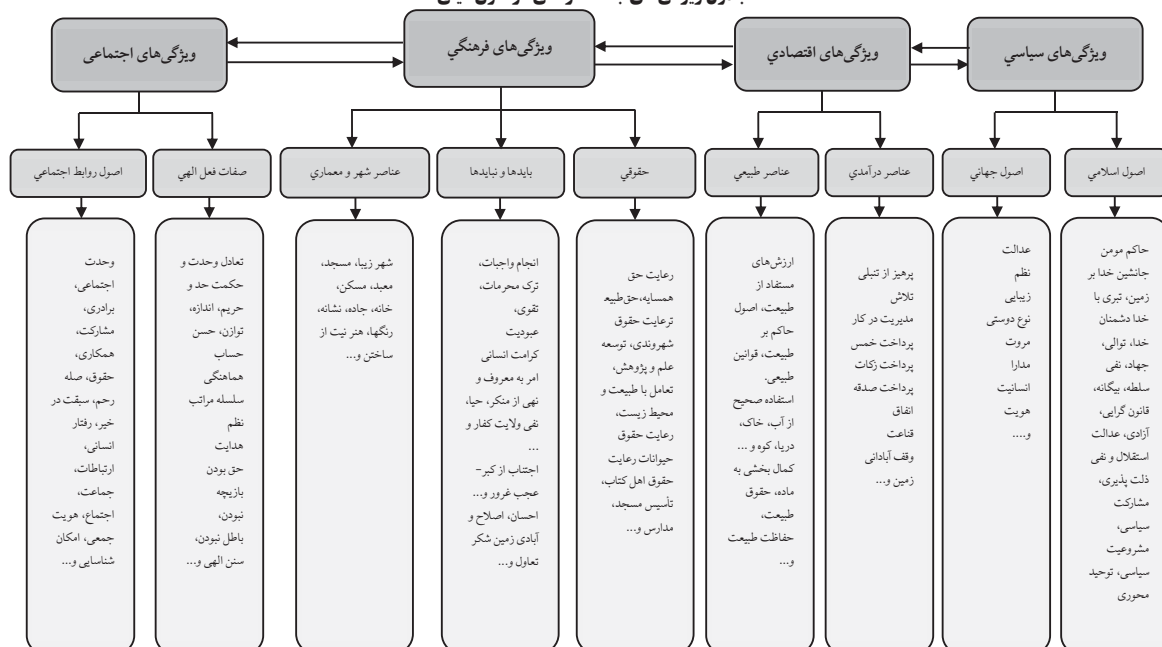
اهالی جامعه آرمانی، مردمانی بسیار ستایشگر پروردگار، مدح‌کننده پیامبر و فرشتگان و صالحان و اولیا هستند (نهج البلاغه، خ ۱ و ۲)؛ آن‌ها بسیار متضرع و خاشع‌اند (مؤمنون: ۱-۸)؛ بر اقدام خود علیه نفس اقرار و اعتراف دارند (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۹۸). از این‌رو، از غضب الهی هراسان‌اند. آن‌ها اجابت دعاها را از خدا می‌خواهند (اعراف، ۳۰-۴۰) و به او اطمینان دارند. آنان مردمانی تائب (حجرات: ۱۲)، متوکل به پروردگار و معتصم به ریسمان الهی (آل عمران: ۱۰۳) هستند. از خدا پناه و یاری و حفظ و حراست می‌جویند و می‌خواهند که بر آنان

عنایت خاص کند و آن‌ها را به خودشان وامگذارد و از ترس، ایمنی بخشد.

ساکنان آرمان‌شهر از صفاتی مانند خودبینی، ریا، تکبر، تجاوز، حسد، شك، ناتوانی، سستی، ضرر رسانی، انواع بیماری‌ها، خذلان، مکر، حيله، خدعه، نیرنگ و فساد به دورند (ر.ک: دستغیب شیرازی، ۱۳۶۹). دین و دنیای آن‌ها به هم و با آخرت پیوند خورده است و با دین، خواستار تقرب به خداوند هستند و با یادآوری قیامت، از زشتی‌های دنیا روی می‌گردانند. دین آنان که مهم‌ترین کارشان است و دنیا که راه به‌دست آوردن معاش است و آخرت که بازگشت گاه نهایی آنهاست اصلاح شده است. زندگی آنان راهی به‌سوی به‌دست آوردن هر خیر و برکت و مرگشان راه‌هایی از هر شر و بدی است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۰). هنگامی که در میان هم بودن برایشان دشوار است و از دشواری آن به خدا پناه می‌برند و در آن لحظه و دیگر لحظات، خواستار دیدار حق می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۰). از برجسته‌ترین ویژگی‌های ظاهری انسان در شهر آرمانی، خوش‌رویی است (هندی، ج ۴، ص ۸) و از ممتازترین صفات فطری او عدالت‌خواهی و انصاف است (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۴). ساکنان شهر آرمانی بیمی از کم شدن نعمت ندارند. بنابراین، غذای خود را با خرسندی و از سر دگر دوستی به میهمان می‌دهند و خداوند نیز به پاداش این عمل، نعمت‌ها را دوچندان می‌کند. (ابراهیم: ۷)

مردان جامعه آرمانی دارای اخلاق نیکو و نسبت به همسر خود مهربان هستند (مشکینی، ۱۳۷۴، ص ۸۷) و زنانشان نیز پاک و برگزیده، در گفتار صادق، صاحب‌غزارت و فراوانی عقل و ذوق فضایل هستند. حکمشان نافذ و معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت هستند. رکن دین و سرچشمه حجت و دلیل و برهان‌اند. به تلاوت قرآن، این کتاب قانون آرمان‌شهر علاقه‌مندند و انفاق را در راه پروردگار آرمان‌شهری دوست دارند.

جدول ویژگی‌های جامعه آرمانی در متون دینی



نتیجه گیری

آموزه‌های قرآن کریم ناظر به جامعه آرمانی که در ابعاد عقل‌گرایی، برپایی عدل، حاکمیت امام، احسان، گسترش دانش و شکوفایی اقتصادی در این مقاله به اختصار به آن‌ها اشاره شد، در زمره آرزوهای دست‌نیافتنی و ناکجاآباد نیست. دعوت تعالیم اسلام به عقل‌گرایی و استفاده از بزرگ‌ترین نعمتی که خداوند با این عنوان به انسان عطا کرده، هم از جنبه نظری و هم از جنبه عملی، تضمین‌کننده سعادت بشر است؛ یعنی همان چیزی که بشر از زمان افلاطون، ارسطو، فارابی، ابن‌سینا و... تاکنون همواره به دنبال آن بوده است. از طرفی با باروری عقل، معنویت نیز شکوفا می‌گردد؛ معنویت که حاکی از اعتقاد به عالم غیب، توحید و نفی شرک، باور به علم غیب پروردگار و هدفمندی نظام آفرینش، اعتقادی به مددهای غیبی الهی، توجه به کرامت انسانی، رعایت حقوق، امر به معروف و نهی از منکر، ظلم و استکبارستیزی، ادای امانت و برپایی عدل می‌گردد.

برپایی عدل با همه جوانب آن در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، داوری و سیاسی، نیازمند شناخت و معرفت نسبت به فرهنگ قرآن و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است. در سایر موارد نیز به همین ترتیب است، اما شناخت تنها یا اظهار پذیرش صرف، کافی نیست. آنچه ضروری است و جامعه آرمانی را تحقق می‌بخشد، پیوند قلبی و عملی با فرهنگ اسلام و تلاش و کوشش برای اجرای همه تعالیم و آموزه‌های آن است. در این صورت است که می‌توان امید داشت آرزوی دیرینه اصلاح جهانی هم از جنبه اندیشه و هم از جنبه انگیزه و عمل صورت عینی و واقعی پیدا کرده است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، (۱۳۸۱)، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات حضور.
- آراسته خو، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، تهران: چاپخس.
- آمدی تمیمی، عبدالواحد، (۱۴۰۷ق)، غرر الحکم و درر الکلم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن ابی الحدید، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۳ق)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، نویسنده محقق مجتبی عراقی، قم: ناشر سید الشهداء.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی بن الحسین، (۱۳۸۰)، تحف العقول، ترجمه بهزاد جعفری، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- ابن‌منظور، (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، به کوشش علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- افلاطون، (۱۳۷۹)، جمهور، ترجمه روحانی، تهران: علمی فرهنگی.
- امام سجاده (ع)، (۱۳۸۳)، صحیفه سجاده، ترجمه علیرضا رجالی تهرانی، قم: انتشارات خادم الرضاع (ع).

- انصاری، مجتبی و مهدی حقیقت‌بین، (۱۳۸۸)، *باغشهر اصفهان آرمان‌شهر صفوی*، در مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- باهنر، محمدجواد، (۱۳۶۱)، *مواضع ما در ولایت و رهبری اسلامی*، قم: نشر فرهنگ اسلامی.
- بیرو، آلن، (۱۳۷۸)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، چ ۴، تهران: انتشارات کیهان.
- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۸)، *نهج الفصاحه*، اصفهان: انتشارات خاتم الانبیاء.
- پریشی، دیوید و درک سه‌یر، (۱۳۷۴)، *جامعه*، تهران: آران، چاپ اول، پیشگفتار.
- پیرو، آلن، (۱۳۶۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه ساروخانی، تهران: کیهان.
- تمیمی مغربی، (۱۳۸۵ق)، *دعائم الاسلام*، مصر: دارالمعارف.
- توسلی، غلامعباس، (۱۳۷۰)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ج ۲، تهران: سمت.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۳)، *تفسیر تسنیم*، قم: مرکز نشر اسراء.
- _____، (۱۳۹۳)، *مفاتیح الحیاه*، قم: مرکز نشر اسراء.
- _____، (۱۳۹۴)، *مبانی اخلاق در قرآن*، ج ۱۰، قم: مرکز نشر اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل‌البت (علیهم السلام).
- دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین، (۱۳۶۷)، *گناهان کبیره*، شیراز: الاسلامیه.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه لغت‌نامه و دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، ج ۱.
- رشید رضا، محمد، (۱۳۷۳ق)، *تفسیر المنار*، قاهره: دارالمنار.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۵)، *آنا‌تومی جامعه*، تهران: انتشار.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۱)، *تاریخ در ترازو*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، *دایرة المعارف علوم اجتماعی*، انتشارات دانشگاه تهران.
- سگال، رابرت آلن، (۱۳۸۵)، *انسان در گذرگاه تکامل*، ترجمه محمدتقی بهرامی حران، ج ۲، تهران: کتاب‌های سیمغ تهران.
- شوای، فرانسواز، (۱۳۷۵)، *شهرسازی تخیالات تا واقعیات*، ترجمه محسن حبیبی، تهران: دانشگاه تهران.
- شیخ الاسلام، جواد، (۱۳۷۹)، *خداوندان اندیشه*، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۸۲)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، ترجمه صادق حسن‌زاده، تهران: انتشارات ارمان طوبی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۵)، *تفسیر المیزان*، ترجمه تهران، انتشارات سید محمدباقر موسوی، دارالاسلام.

- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۵۰)، **مجمع البیان**، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، تهران: انتشارات فراهانی.
- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ق)، **مکارم الاخلاق**، قم: شریف رضی.
- طبری، محمد، (۱۴۱۴ق)، **جامع البیان**، به کوشش صدقی جمیل، بیروت: دارالفکر.
- طوسی، نصیرالدین، (۱۳۷۳)، **اخلاق ناصری**، تهران: خوارزمی.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، (۱۳۸۹)، **شهر اسلامی، نشانه‌ها و شناسه‌ها**، قم: نشر بوستان کتاب.
- عمیدزنجانی، عباس علی، (۱۳۷۵)، **مبانی اندیشه سیاسی اسلام**، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فارابی، ابونصر، (۱۳۷۹)، **آراء اهل المدينة الفاضله**، به کوشش پیرنصری، بیروت: دارالمشرق.
- قنادان، منصور و همکاران، (۱۳۷۶)، **جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی**، تهران: آوای نور.
- قیومی اصفهانی، جواد، (۱۳۸۳)، **صحیفه الزهراء**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۷۶/۱۴۰۷ق)، **اصول کافی**، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام).
- کراجکی، محمد بن علی، (۱۳۹۴ق)، **معدن الجواهر و ریاضه الخواطر**، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: مرتضویه.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۵)، **الکافی**، به کوشش غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کینگ، ساموئل، (۱۳۵۵)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه همدانی، تهران: سیمرخ.
- لاری، ریچارد، لیزا، (۱۳۷۲)، **ارتباط بین فرهنگ‌ها**، ترجمه کیانی و میرحسینی، تهران: انتشارات باز.
- مانهایم، کارل، (۱۳۵۵)، **ایدئولوژی و اتوپیا**، ترجمه فریبرز محمدی، انتشارات دانشگاه تهران.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۱ق)، **کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال**، محقق بکری حیانی، صفوة السقا، مقدمه مؤلف، ج ۱، چاپ پنجم، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، **بحارالانوار**، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی مؤسسه الوفا.
- _____، (بی تا)، **مقدمه بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار**، انتشارات اسلامیه.
- مشکینی، علی، (۱۳۷۴)، **ازدواج در اسلام**، قم: الهادی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸)، **مجموعه آثار**، تهران: صدرا.
- معرفت، محمدهادی، (۱۳۷۸)، **التمهید فی علوم القرآن**، قم: نشر آثار آیت الله معرفت.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۴ق)، **الارشاد**، بیروت: دار المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۵)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- منتظرالقائم، اصغر، (۱۳۸۸)، *چیستی و چرایی آرمان‌شهر اسلامی*، در مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مور، تامس، (۱۳۷۳)، *آرمان‌شهر (یوتوپیا)*، ترجمه داریوش آشوری و نادر افشاری، تهران: خوارزمی.
- موسویان، سید عباس، (۱۳۷۶)، *پس انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی*، قم: پژوهشگاه فرهنگ اسلامی.
- نصر، سیدحسین، (۱۳۷۳)، *جوان مسلمان و دنیای متجدد*، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو.
- نقی زاده، محمد، (۱۳۹۳)، *باغ ایرانی از خیالات تا واقعیات*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- _____، (پاییز ۱۳۹۴)، «آموزه‌های قرآنی و شهر آرمانی اسلام»، *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، سال سوم، شماره هشتم.
- وست، ویکتوریا سکویل، (۱۳۳۶)، *باغ‌های ایرانی در کتاب میراث ایران (زیر نظر ا. ج. آبربی)*، تهران: بنگاه.
- وهبة الزحیلی، (۱۴۱۱ق)، *التفسیر المنیر*، بیروت: دارالفکر المعاصر.
- ویلبر، دونالد نیوتن، (۱۳۸۴)، *ترجمه و نشر کتاب، باغ‌های ایران و کوشک‌های آن*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.